20473 ـ سؤالی دربارۀ حضانت کودکان

سوال

می‌دانم که اگر زن و شوهری از هم جدا شوند، زن حق بیشتری در حضانت کودکان نابالغ دارد، اما اگر ازدواج کند، حق شوهر (پدر) بیشتر می‌شود. سؤال من این است: اگر پدر حق نفقۀ فرزندانش را ادا نکند، آیا همچنان حق دارد فرزندان را از مادرشان بگیرد؟ من دربارۀ مردی صحبت می‌کنم که می‌گوید توانایی پرداخت نفقه را دارد، همسر دیگری گرفته و برای او و فرزندش خرج می‌کند، اما برای دو فرزندش از همسر اول خرجی نمی‌دهد. او به همسر اولش می‌گوید اگر دوباره ازدواج کنی، بچه‌ها را از تو می‌گیرم. آیا این درست است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولاً:

میان علما اجماع است که مادر تا زمانی که کودک به سن تشخیص (تمییز) نرسیده، سزاوارترین فرد برای حضانت اوست؛ زیرا کودک در این مرحله از عمر به محبت و نوعی از مراقبت نیاز دارد که تنها زنان از عهدۀ آن برمی‌آیند. اما اگر مادر ازدواج کند، این حق ساقط می‌شود؛ زیرا مشغولیت به همسر جدید مانع از خدمت به فرزند می‌شود و همچنین منافع کودک و منافع همسر جدید در تعارض قرار می‌گیرد. ابن منذر رحمه الله اجماع علما بر سقوط حق حضانت مادر در صورت ازدواج را نقل کرده است. (ن.ک: الکافی ابن عبدالبر: ۱/۲۹۶؛ المغنی: ۸/۱۹۴)

دلیل این امر حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما است که زنی گفت: «ای رسول خدا، این پسرم شکمم برایش ظرف، سینه‌ام برایش مشک، و دامنم برایش پناهگاه بوده است؛ و پدرش مرا طلاق داده و می‌خواهد او را از من بگیرد». رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ به او فرمودند: «تو تا زمانی که ازدواج نکرده‌ای، به او سزاوارتری». این حدیث را احمد (۶۷۰۷) و ابوداود (۲۲۷۶) روایت کرده‌اند و آلبانی در صحیح ابی‌داود آن را حسن دانسته و ابن کثیر در «ارشاد الفقیه» (۲/۲۵۰) آن را صحیح شمرده است.

ثانیاً:

به اتفاق علما، نفقۀ فرزندان بر عهدۀ پدر است، چه همسرش را نگه دارد و چه طلاق دهد، و چه همسرش (مادر بچه‌ها) فقیر

باشد و چه ثروتمند. بنابراین با وجود پدر، پرداخت هزینه بر مادر لازم نیست. در حالتی که زنِ مطلقه حضانت فرزندان را بر عهده دارد، نفقهٔ آنان بر عهدهٔ پدرشان است و مادرِ شیرده می‌تواند برای شیر دادن به کودک درخواست مزد کند.

نفقهٔ فرزندان شامل مسکن، خوراک، پوشاک، تحصیل و هر آن چیزی است که به آن نیاز دارند و مقدار آن بر اساس عرف و با رعایت وضعیت مالی پدر تعیین می‌شود؛ به دلیل فرمودهٔ الله تعالی: لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا [الطلاق: ۷] (باید توانگر از توانگری خود هزینه کند و هر که روزی‌اش بر او تنگ شده، باید از آنچه الله به او داده هزینه کند. الله هیچ‌کس را جز به اندازهٔ آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند. الله به‌زودی پس از دشواری، آسانی قرار می‌دهد). این مقدار از شهری به شهر دیگر و از شخصی به شخص دیگر متفاوت است.

اگر پدر ثروتمند باشد، نفقه به اندازهٔ ثروتش، و اگر فقیر یا متوسط باشد، بر حسب حالش خواهد بود. اگر والدین بر مبلغ خاصی توافق کنند (کم یا زیاد)، اختیار با آن‌هاست، اما در صورت اختلاف، قاضی حکم می‌کند.

همچنین به اتفاق علما جایز است که زن مطلقه از شوهر سابقش بابت شیر دادن به کودک درخواست اجرت کند. ابن قدامه رحمه الله می‌گوید: «شیر دادن فرزند تنها بر عهدهٔ پدر است و او حق ندارد مادر را اگر مطلقه باشد مجبور به شیر دادن کند؛ در این مسئله اختلافی نمی‌دانیم». (المغنی: ۱۱/۴۳۰)

و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «و اما مزد شیردهی؛ به اتفاق علما زن حق دریافت آن را دارد، چنانکه الله تعالی فرموده است: فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ (پس اگر برای شما [کودک را] شیر دادند، مزدشان را به آنان بدهید)». (الفتاوی الکبری: ۳/۳۴۷)

ثالثاً:

در صورت نپرداختن نفقه با توجه به اینکه حضانت ـ آن‌گونه که جمعی از علما تعریف کرده‌اند ـ عبارت است از: «مراقبت از کسی که تشخیص نمی‌دهد و توانایی انجام امورش را ندارد، و تربیت او به شیوه‌ای که به صلاحش باشد و محافظت از او در برابر آسیب‌ها» (روضة الطالبین: ۹/۹۸)، و مقصود از آن رعایت حال کودک است، پس ملاک اصلی در حضانت، مصلحتِ کودک است. بنابراین اگر پدر از انجام این واجب (که نفقه بخشی از آن است) در قبال کودکش امتناع ورزد، گناهکار است و حقش در حضانت ساقط می‌شود. در کتاب «الروض المربع» آمده است: «کودک تحت حضانت کسی قرار نمی‌گیرد که او را حفظ نمی‌کند و به صلاحش نمی‌کوشد، زیرا [در این صورت] مقصود از حضانت از دست می‌رود». (الروض المربع: ۳/۲۵۱)

ابن قیم می‌گوید: «اگر یکی از والدین را مقدم می‌داریم، حتماً باید مراقبت و حفاظت او از کودک را لحاظ کنیم... اگر پدر در

حفظ و صیانت کودک اهمال ورزد، یا از آن ناتوان باشد، یا مورد رضایت نباشد، و یا بی‌غیرت (دیوث) باشد در حالی که مادر بر خلاف اوست، بی‌تردید مادر برای [حضانت] دختر سزاوارتر است. شیخ ما (ابن تیمیه) گفته است: اگر یکی از والدین تعلیم و تربیت کودک و اموری را که خدا بر او واجب کرده ترک کند، او عاصی و گناهکار است و ولایتی بر کودک ندارد... پس اگر فرض شود پدری با زنی ازدواج کرده که مصلحت دخترش را رعایت نمی‌کند و به امورش نمی‌رسد، و مادر دختر بهتر از آن نامادری مصلحتش را تأمین می‌کند، حضانت قطعاً با مادر است». (زاد المعاد: ۵/۴۲۴)

شیخ عبدالرحمن سعدی می‌گوید: «اگر یکی از والدین آنچه را که از حضانت بر او واجب است اهمال کند و از اصلاح حال کودک غافل شود، ولایتش ساقط می‌شود و این حق به دیگری منتقل می‌گردد». (الفتاوی السعدیة: ص ۵۳۵)

بنا بر آنچه گفته شد، اگر پدر از دادنِ نفقهٔ فرزندانش امتناع ورزد، حقش در حضانت آنان ساقط می‌شود؛ حتی اگر این امتناع با هدف آزار دادن مادر باشد. این رفتار نشان می‌دهد که او امینِ مصالح فرزندانش نیست. همچنین مادر می‌تواند برای دریافت نفقهٔ فرزندانش به قاضی شکایت کند.

والله اعلم.